

ابوسفیان به عنوان یک جریان تاریخی چگونه راهبرد خودش را از مبارزه به نفوذ تغییر داد؟
تمام مشکلات از سقیفه آغاز می‌شود یا فتح مکه؟!

▼ پس از حدود ۲۰ سال مبارزه بنی‌امیه به رهبری ابوسفیان علیه پیامبر، سرانجام با فتح مکه تغییراتی در ابوسفیان رخ داد؛ حالا ابوسفیان اعتقادات موروثی خودش به بت‌ها را از دست داده و اعتقاد به شرک از سبب ذهنی‌اش خارج شده است ولی آنچه باقی مانده، نه توحید بلکه «اصالت طبیعت»، «اصالت لذت» و «اصالت قدرت» است. این جان‌مایه و روح دنیاگرایی یا دهری‌گری است. چنین چیزی امروز «سکولاریسم» نام گرفته است.

▼ جریان ابوسفیان با ورود به جامعه اسلامی تبدیل به یک حزب مخفی سکولار شد. چرا می‌گوییم «حزب»؟ چون دنبال قدرت بودند و چون سکولار یا دنیاگرا بودند باید مخفی می‌ماند. این حزب مخفی، جامعه اصحاب پیغمبر را به خوبی می‌شناخت، اما همه جامعه اصحاب پیغمبر آنها را نمی‌شناختند. ورود این حزب مخفی سرآغاز مشکلات و پیدایش تحولات و مقتضیات جدید در جهان و تاریخ اسلام شد.

▼ قرائت رایجی وجود دارد که گفته می‌شود تمام مشکلات از سقیفه شروع شد. این ساده‌انگارانه است؛ سقیفه معلول مشکلاتی بود که پیش از آن به وجود آمده بود نه علت آنها. همه شنیده‌ایم که فتح مکه فتح الفتوح است اما مشکلات از فتح مکه شروع شد، زمانی که ابوسفیان به عنوان یک جریان اجتماعی در بافت نخبگان جامعه اسلامی یا همان اصحاب پیغمبر وارد شد. جریانی که اعتقادی به نبوت پیامبر ندارد. لذا شهداتین ابوسفیان تازه آغاز زندگی سیاسی و حیات تاریخی اوست.

▼ تا پیش از فتح مکه جامعه اصحاب پیغمبر هم وحدت حقیقی (وحدت نظر) دارد و هم وحدت اعتباری. وقتی ما با یکدیگر هم عقیده نباشیم، اما در موقعیت قرار بگیریم که لازم شود مشترکاً از خودمان دفاع کنیم، با یکدیگر وحدت اعتباری می‌یابیم. در چنین جامعه‌ای شرک یک امر آشکار بود و خطرش برای همه محسوس. اما با ورود جریان ابوسفیان به جامعه اصحاب پیغمبر هر دو وحدت از بین رفت. وحدت حقیقی از بین رفت زیرا عده‌ای آنها را مسلمان دانستند و تصور کردند فرصتی به وجود آمده تا قدرت مسلمانان با ورود اشراف قریش افزایش یابد. وحدت اعتباری هم از بین رفت زیرا دیگر دشمن مشترکی وجود نداشت تا مسلمانان برای مقابله با آن متحد شوند. دیگر قرار نبود ابوسفیان از مکه نیرو جمع کند تا به مدینه حمله کند و قرار نبود جنگ خندق و احد و بدر تکرار شود.

تا زمانی که پیغمبر در قید حیات بودند این زخم ایجاد شده سر باز نکرد و فرمایشات پیامبر فصل الخطاب بود، لکن پس از رحلت پیغمبر این زخم سر باز کرد.